

## موازنه قدرت میان جوامع یکجانشین و کوچرو در جنوب غرب ایران

### The Balance of Power between Sedentary and Nomadic Societies in Southwestern Iran

Poorya Khadish<sup>1\*</sup>

پوریا خدیش<sup>۱\*</sup>

<sup>1</sup> MA in Archaeology, Independent researcher, Iran, Corresponding author:  
poryakhadish@gmail.com

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد باستان‌شناسی، پژوهشگر آزاد، ایران، نویسنده مسئول: poryakhadish@gmail.com

#### چکیده

با آغاز کوچ عمودی سازمان‌یافته توسط کوچروان خاور نزدیک پس از هزاره دوم پیش از میلاد، فرصت‌ها و چالش‌هایی برای جوامع کوچ‌نشین و جوامع یکجانشین ساکن در مسیرهای کوچ ایجاد شد. گروه‌های یکجانشین که برای چند هزار سال سبک زندگی نسبتاً پایدار خود را حفظ کرده بودند، اکنون مجبور بودند با تهدیدهای جدید، به‌ویژه خطر تخریب زمین‌های کشاورزی ارزشمندشان توسط گله‌های بزرگی که از آنجا عبور می‌کردند، دست‌وپنجه نرم کنند. تحقیق در زمینه شیوه‌های مدیریت این تنش‌ها توسط این جوامع، دشوار و چالش‌برانگیز است. به این دلیل که مدارک باستان‌شناسی و منابع مکتوب مرتبط با این موضوعات محدود است. این مقاله به بررسی یافته‌های کاوش یک تپه حصاردار در نزدیکی کوه‌دشت در جنوب غرب ایران می‌پردازد. این یافته‌ها اطلاعاتی را در مورد امکان تلاش برای اعمال کنترل بر گروه‌های کوچ‌رو توسط جوامع یکجانشین ارائه می‌دهد. همچنین، این مطالعه با تجزیه و تحلیل ترکیبی از داده‌های باستان‌شناسی و تحقیقات قوم‌باستان‌شناسی در مورد قشقای‌های ایران، پویایی پیچیده قدرت میان این جوامع متمایز را روشن می‌کند.

#### اطلاعات مقاله

##### تاریخ‌ها

دریافت: ۱۴۰۲/۲/۲۵

پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۰۷

##### واژگان کلیدی

جنوب غربی ایران  
کوچروان  
یکجانشینان  
لرها  
قشقای‌ها  
پویایی قدرت

**Abstract:** The introduction of organized vertical migration by nomadic herders in the Near East after the second millennium BC created both opportunities and challenges for both nomadic and sedentary communities along migration routes. Settled groups, who had maintained a relatively stable lifestyle for millennia, were now forced to endure new pressures, particularly the risk of their farmlands being trampled by large herds passing through. This led to inevitable tensions, much like the earlier conflicts between hunter-gatherers and agriculturalists. Investigating how these societies managed these tensions is challenging, due largely to limited available archaeological evidence as well as scarcity of textual sources. This paper examines findings from the excavation at a fortified settlement near Kuhdasht, southwestern Iran. These findings offer new insights into how sedentary communities may have attempted to exert control over nomadic groups. The present article analyzes the archaeological evidence, and explores the ethnoarchaeological data on the Qashqai nomads of Iran to shed some light on the complex power dynamics between these distinct settled and mobile societies.

#### History

Received: May 14, 2024

Accepted: August 28, 2024

#### Keywords

Southwestern Iran  
Nomads  
Settlers  
Lurs  
Qashqai  
Power Dynamics

استناد: خدیش، پوریا (۱۴۰۳). «موازنه قدرت میان جوامع یکجانشین و کوچرو در جنوب غرب ایران». *باستان‌شناسی*، ۴ (۲): ۴۵-۵۶.

<https://doi.org/10.22034/4.2.45>

© ۱۴۰۳ (۲۰۲۴) نویسندگان مقاله، مجله باستان‌شناسی، مجله پژوهشکده باستان‌شناسی ایران.

## مقدمه

در هزاره‌های نهم تا هشتم پیش از میلاد، ساکنان جنوب غربی ایران دام‌های سبک شامل بز و گوسفند را اهلی کردند؛ نقطه عطف مهمی که با تحولات مشابه در جنوب شرقی آناتولی و رشته کوه زاگرس هم‌زمان بود (Zeder and Hesse, 2000: 2255). این تحولات در دامپروری، همراه با اهلی شدن گیاهان، تحول جوامع انسانی در مناطقی مانند جنوب غرب ایران و همچنین فراتر از آن در عراق و ترکیه امروزی را تسریع کرد. جغرافیای منحصربه‌فرد جنوب غرب ایران که شاخصه آن تغییرات قابل توجه دما و تنوع اقلیمی در فواصل کوتاه است، تعاملات میان جوامع انسانی را بیشتر گسترش داد. به‌عنوان مثال، بلندترین قله خوزستان، کوه کینو (۳۷۰۰ متر)، کمتر از ۱۷۰ کیلومتر از دشت‌های هم‌سطح با دریا فاصله دارد که تنوع آب‌وهوایی فصلی چشمگیری ایجاد می‌کند. چنین شرایط اقلیمی متنوعی احتمالاً مشوقی برای اشکال اولیه کوچ به فواصل دور بود که سابقه آن به هزاره ششم پیش از میلاد می‌رسد (Hole, 2023: 5). کوچروی در فواصل دور، مشابه شرایط کوچروانی که تا قرن گذشته در منطقه فعال بودند، در حدود هزاره دوم پیش از میلاد ظهور کرد که با اهلی کردن حیوانات بارکش و پیشرفت در تکنیک‌های بافندگی (برای ساخت چادر) امکان‌پذیر شد (نک. Hole and Amanolahi, 2021; Arbuckle and Hammer, 2019). این تحولات، گروه‌های کوچرو را به تأمین‌کننده گوشت، پشم و دام برای مراکز جمعیتی تبدیل کرد؛ اما تعامل آن‌ها با جوامع یکجانشین بدون درگیری نبود. کوچروان برای هزاران سال نقش فعالی در شکل دادن به چشم‌انداز سیاسی و اجتماعی خاور نزدیک داشتند. درحالی‌که تغییرات آب‌وهوا و زیست‌محیط می‌توانست بر زندگی آن‌ها تأثیر بگذارد، شواهد باستان‌شناسی و تاریخی نشان می‌دهند که هجوم آن‌ها به مراکز شهری شامل عوامل دیگری مانند رقابت بر سر منابع، درگیری‌های داخلی و مشکلات معیشتی نیز بوده است. تحرک‌پذیری کوچروان و توانایی آن‌ها در تاخت‌وتاز، جوامع یکجانشین را با چالش‌هایی جدی مواجه کرد. با این حال جمعیت‌های یکجانشین نیز می‌توانستند با هدف قرار دادن گروه‌های کوچرو و دام‌های آن‌ها، به‌ویژه در مناطق استراتژیکی مانند گردنه‌های زاگرس، مقابله‌به‌مثل کنند.

این مقاله بر کاوش تپه توبره‌ریز، یک سکونتگاه حصاردار واقع در لرستان تمرکز دارد. ممکن است این محوطه سرنخ‌هایی برای درک سازوکار اعمال قدرت توسط جوامع یکجانشین بر کوچروانی فراهم

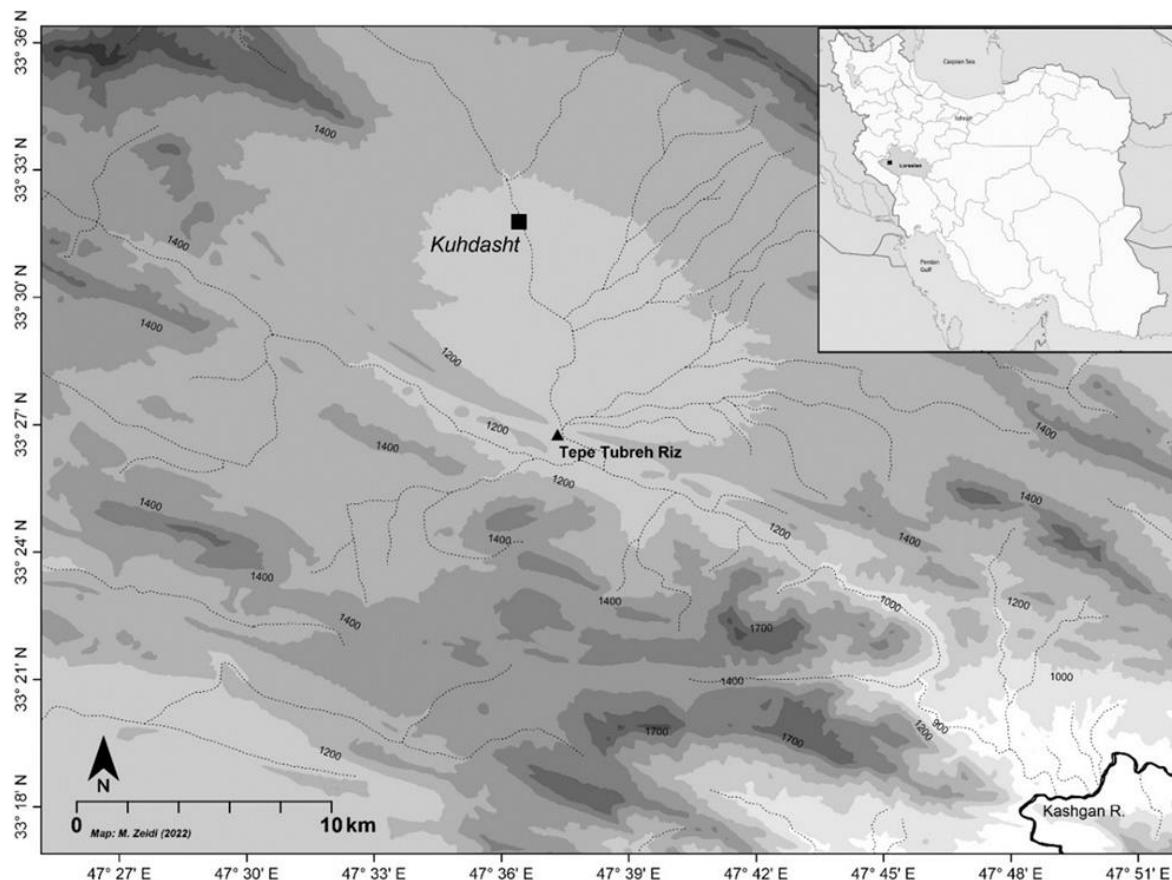
آورد که در طول مسیر خود از این چشم‌انداز دشوار عبور می‌کردند. این مطالعه با تکیه بر شواهد باستان‌شناسی و بررسی‌های قوم‌باستان‌شناسی، به‌ویژه در مورد قشقای‌ها، به بررسی ماهیت پویایی قدرت کوچروان و یکجانشینان پرداخته و نحوه شکل‌گیری این تعاملات در چشم‌انداز اجتماعی - سیاسی گسترده‌تر پیرامونش را مورد بررسی قرار می‌دهد.

## جغرافیا و کاوش

تپه توبره‌ریز در غرب لرستان و در حاشیه یکی از دشت‌های متعدد پراکنده در سراسر رشته‌کوه زاگرس واقع شده است. این محوطه توسط ارتفاعات غلیف (۱۸۵۰ متر) در شرق، کوه‌های سر سورن (۱۷۰۰ متر) و نعل اشکسته (۱۵۰۰ متر) در غرب و دشت پست خوزستان در جنوب احاطه شده است (شکل ۱). این کوه‌ها که در اواخر دوره کرتاسه شکل گرفته‌اند، دیواره‌های عمودی شیب‌دار و دره‌های عمیقی دارند که بر اثر تنش‌های شدید زمین‌ساختی ایجاد شده‌اند. عبور و مرور در سراسر این منطقه دشوار است و تنها چند گذرگاه کاملاً مشخص برای جابه‌جایی انسان و دام وجود دارد. تپه توبره‌ریز در امتداد راه باریک و درون شکافی میان ستیخ کوه‌های مرتفع اسیرگشته و نعل اشکسته کوچک قرار دارد (شکل ۲). این راه در طول تاریخ مورد استفاده کوچروان لر متعددی از جمله طوایف حسوند، کولیوند، میروند، کرموند، عبدولی و آزادبخت و چندین تیره از ترک‌ها بوده است. این گروه‌ها در کوچ‌های فصلی و جابه‌جایی از مراتع بیلاقی به قشلاق‌های جنوبی خود ناگزیر از این مسیر عبور می‌کردند. شواهد موجود حاکی از وجود یک پل استراتژیکی در نزدیکی تپه است که نام روستای مجاور، پاپل مادیان‌رود، بر اهمیت آن تأکید می‌کند. جریان آب قابل توجه چشمه‌هایی در شمال محوطه، همراه با آب مادیان‌رود، نیاز به پل در این نقطه را آشکار می‌سازند. به گفته ادمنوندز، این پل حداقل تا سال ۱۹۲۲ مورد استفاده بوده است. سیاحان غربی در سفرهای خود از خوزستان به خرم‌آباد، مکرراً از پل مادیان‌رود عبور کرده‌اند که نشانه‌ای از اهمیت آن به‌عنوان یکی از معدود گذرگاه‌های موجود میان جنوب غرب ایران و مرکز کشور است (Edmonds, 1922: 337-339). نویسندگانی ناشناس که به دستور ناصرالدین‌شاه گزارشی جغرافیایی از لرستان تهیه کرده بر اهمیت راهبردی این پل برای طوایف مختلف کوچ‌نشین تأکید می‌کند. او به وضعیت باتلاقی اطراف پل و فرورفتن مکرر مردم و دام در آن که موجب رنج قابل توجه و حتی

(شکل ۴). این نوع فرسایش که در مورد تپه‌های طبیعی غیر معمول است، می‌تواند نشانه‌ای از ماهیت مصنوعی تپه باشد. بقایای یک دیوار سنگی پیوسته که از تخته‌سنگ‌های بزرگ و متوسط و ملاتی شبیه به ساروج ساخته شده، در فاصله ۲ تا ۳ متری رأس تپه قابل مشاهده است (شکل ۵). دیوار احتمالاً اهداف دفاعی داشته است و در جبهه‌های شرقی و غربی طاق‌های زمخت که نشان‌دهنده ورودی‌ها یا جان‌پناه است وجود دارد.

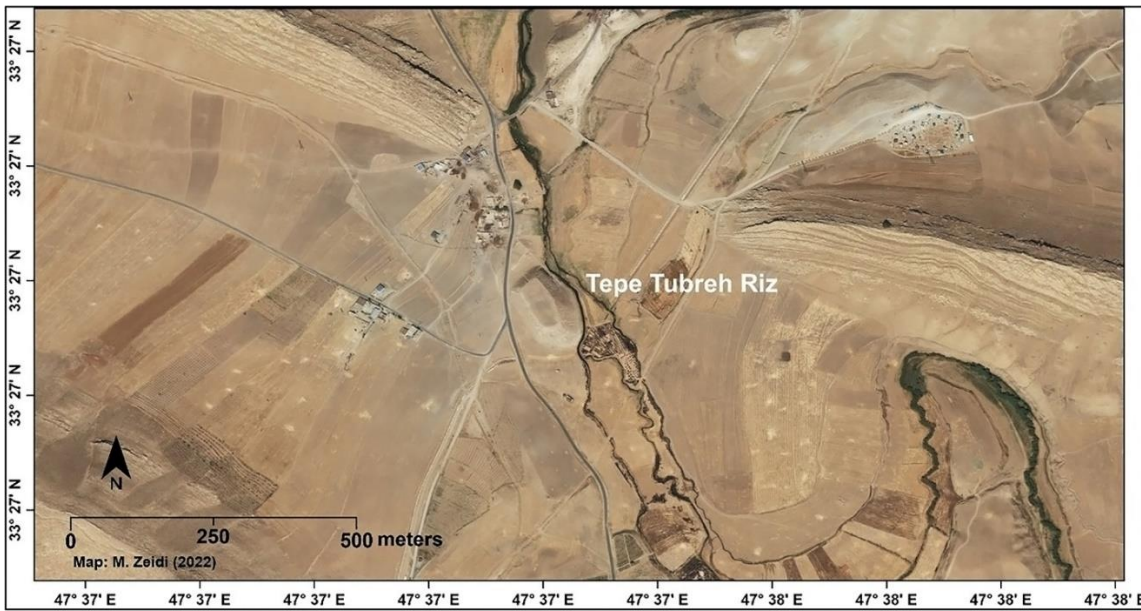
تلفات می‌شد اشاره کرده است (بی‌نا، ۱۳۷۰: ۵۳). مسیر سنگفرش یافت‌شده در فصل دوم کاوش در شمال تپه را می‌توان به‌عنوان مسیری از میان این باتلاق تفسیر کرد (شکل ۳). توپره‌ریز یک تپه بیضی‌شکل به ابعاد پایه حدود ۱۶۰×۹۰ متر، ارتفاع تقریبی ۱۳ متر و فضای مسطحی به مساحت تقریباً ۴۰۰۰ مترمربع در بالا است. ضلع شمالی، غربی و شرقی تپه دارای شیب تندی است و در جبهه شمال‌شرقی نشانه‌هایی از فرسایش و ریزش خاک دیده می‌شود



شکل ۱. توپوگرافی منطقه کوهدهشت و موقعیت تپه توپره‌ریز (نقشه از: م. زیدی).

باشد که بر اساس آن ارتفاع این تپه به‌طور مصنوعی توسط برخی خوانین قدیم بالا آمده تا از فراز آن به تماشای تازی‌های خود که در حال تعقیب و گریز آهو در این دشت بودند، بنشینند» (Stein, 1969: 259-260). درحالی‌که گزارش او قابل توجه است، بعید به نظر می‌رسد که چنین حجمی از نیروی کار و زمان صرف ساخت یک تپه مصنوعی صرفاً برای مشاهده شکار توسط سگ‌های تازی شده باشد. در عوض، این موضوع می‌تواند منعکس‌کننده داستانی کهن رایج در منطقه باشد که ساخت یک تپه مصنوعی را قابل توجیه‌تر می‌سازد. در این مورد اصطلاح توپره‌ریز به‌ویژه مهم است و می‌تواند اشاره به روشی داشته باشد که توسط آن تپه شکل گرفته است.

علیرغم ابعاد بزرگ و اهمیت راهبردی، تپه توپره‌ریز توسط باستان‌شناسان پیشگام منطقه مانند استاین و اشمیت مشاهده و ثبت نشده است. استاین از تپه‌ای به نام چغا آهو در ۲ کیلومتری شمال‌غرب توپره‌ریز بازدید کرده، اما اشاره می‌کند که زمان کافی برای بازدید از بقایای پل ساخته‌شده بر روی رودخانه‌ی مادیان‌رود را نداشته است. با این حال، یادداشت‌های او در مورد چغا آهو قابل ذکر است: «تپه سوم در ۲ مایلی جنوب گدارپهن معروف به چغا آهو، تپه‌ای کوچک و کاملاً مخروطی شکل است که جوانب شیب‌دار آن به‌طور عجیبی فاقد هرگونه بقایای سفالی و همچنین پوشش گیاهی بود. به نظر می‌رسد که نبود سفال مهر تأییدی بر افسانه‌ای محلی



شکل ۲. عکس ماهواره‌ای از تپه توبره‌ریز (از: م. زیدی).

دفاعی کاوش شد. جالب‌ترین یافته در ترانسه پلکانی جنوبی بقایای به شدت آسیب‌دیده یک مجموعه انسانی بود که شناسایی آن صرفاً از طریق دو عدد دندان آسیاب ممکن شد. این یک تدفین معمولی نبود و می‌تواند نشان‌دهنده وقوع رخداد‌های خشونت‌آمیز در محوطه باشد. در زیر آن، بقایای به خوبی لایه‌بندی شده عصر مفرغ قدیم کاوش شد که اطلاعات بیشتری را در مورد مراحل قدیمی‌تر استقرار در محوطه ارائه می‌دهد.

### تفسیر لایه‌نگاری

تجزیه و تحلیل لایه‌نگاری تپه توبره‌ریز، توالی پیچیده‌ای از سکونت شامل شواهدی از استقرار در عصر مفرغ قدیم و سپس مرحله‌ای با تغییرات شکلی قابل توجه در محوطه را ارائه می‌دهد که احتمالاً متعلق به ربع آخر هزاره اول پیش از میلاد است. کشف قطعه سفال‌های عصر مفرغ در لایه‌های بالاتر نشان می‌دهد که این محوطه در زمانی پس از مرحله اولیه استقرار دچار به هم ریختگی شده است. بر اساس شواهد به نظر می‌رسد، ساکنان بعدی از خاک و مصالح موجود در حاشیه رودخانه مجاور و بخش‌هایی از خود تپه برای مرتفع کردن و استحکام بخشی تپه استفاده کرده‌اند. علاوه بر این، ممکن است سازندگان این تپه به شکلی از آب رودخانه مدیان رود نیز به عنوان ابزاری اضافی برای غیرقابل دسترس کردن

در سال ۱۳۸۶، به منظور تعیین مراحل استقراری و مطالعه کارکرد تپه توبره‌ریز مطالعات باستان‌شناسی در آن آغاز شد. کاوش در دو ترانسه پلکانی در ضلع شمالی (ST.1) و جنوبی (ST.2) تپه متمرکز بود (شکل‌های ۶ و ۷). یافته‌های کاوش، شامل بقایای معماری و مواد فرهنگی جمع‌آوری شده، در گزارش مقدماتی تشریح شده است (خدیش، ۱۳۸۷). در ترانسه پلکانی ضلع شمالی (ST.1) حجم یافته‌های فرهنگی به نسبت کم بود و هیچ لایه استقراری واضحی در آن شناسایی نشد. با این حال، در فضا‌های کاوش شده بقایایی از سنگچین‌ها و سازه‌های خشتی پراکنده و پی یک دیوار دفاعی کشف شد. این دیوار از قطعات سنگ لاشه ساخته شده بود که ردیفی از سنگ‌های بزرگ به صورت عمودی به آن متصل می‌شد. سنگ‌های تحتانی با ملاتی از گل سبزرنگ مستحکم شده‌اند، اما ردیف‌های فوقانی نشانه‌هایی از استفاده از ملاتی شبیه به ساروج داشتند<sup>۱</sup> (شکل ۸). قطعه سفال‌هایی متعلق به عصر مفرغ قدیم در بالاترین لایه‌های این ترانسه یافت شد که به وضوح از بافت اصلی خود جابه‌جا شده‌اند. در ترانسه جنوبی (ST.2) نیز تداخل لایه‌نگاری مشابهی مشاهده شد. در این ترانسه هم قطعاتی از سفال‌های عصر مفرغ قدیم در بالای لایه‌های حاوی سفال‌های ربع آخر هزاره اول پیش از میلاد وجود داشت (شکل ۹). در زیر این لایه آشفته ترانسه جنوبی، لایه‌های به خوبی حفظ‌شده این دوره همراه با ادامه دیوار

<sup>۱</sup> احتمال دارد بقایای دیوار قدیمی‌تر در دوره‌های جدیدتر با همان کارکرد استحکاماتی مورد استفاده مجدد قرار گرفته‌اند.



شکل ۳. راه سنگ فرش در شمال تپه.

خرم‌آباد است که تقریباً در فاصله ۱۰۰ کیلومتری شرق کوه‌دشت قرار دارد. این کتیبه که بر روی یک بلوک سنگی به ارتفاع سه‌ونیم متر حک شده، اطلاعات ارزشمندی در مورد شیوه برخورد حاکمیت محلی دوره سلجوقی برای ایجاد توازن قدرت میان جوامع کوچ‌رو و یکجانشین ارائه می‌دهد (شکل ۱۰). این سنگ‌نوشته که مربوط به دوران سلطنت ابوسعید برسق ابن برسق، فرماندار محلی لرستان در زمان شاه محمود بن ملک‌شاه سلجوقی است، مداخله حکومت برای حل یک شکایت بزرگ را نشان می‌دهد: وضع مالیات‌های سنگین و ناعادلانه بر مسافران و همچنین کوچروانی که از مراتع اطراف شاپورخواست (خرم‌آباد امروزی) استفاده می‌کردند. این مالیات‌گیری ستمگرانه موجب شکایت مردم محلی شد و فرماندار را بر آن داشت تا دستور توقف آن را صادر کند. او همچنین مجازات‌هایی را برای کسانی که تلاش می‌کردند به اخذ این نوع مالیات‌های سنگین ادامه دهند اعمال کرد (Herzfeld, 1929: 74-75). این سند نمونه نادری از اقدامات دولت در دفاع از جوامع کوچ‌رو در برابر گروه‌های یکجانشین است و می‌تواند لایه دیگری از پیچیدگی بر پویایی قدرت میان این گروه‌ها بیافزاید؛ آنجا که حاکمان محلی برای تعدیل و کاهش مالیات‌های ناعادلانه که ورای اختیارات بخش حکومتی اخذ می‌شد، مداخله می‌کردند. این کتیبه همچنین به تأثیرات اجتماعی

محوطه و محدود کردن گذرگاه کنار آن استفاده کرده باشند. تاریخ‌گذاری رادیوکربن نشان‌دهنده دو مرحله اصلی استقرار در محوطه است: اولی بین ۲۲۰۰-۲۵۰۰ پم و دومی بین ۱۰۰-۳۰۰ پم ساکنان جدیدتر محوطه علاوه بر افزایش ارتفاع تپه، یک دیوار سنگی بالبهت در نزدیکی رأس تپه ایجاد کردند که احتمالاً دارای جان‌پناه‌هایی بوده است. این استحکامات احتمالاً به‌عنوان وسیله‌ای برای کنترل دسترسی به گذرگاه باریک پایین‌دستی و پل عمل می‌کرد که گروه‌های کوچ‌رو مجبور بودند در طول کوچ فصلی خود از آن عبور کنند. موقعیت راهبردی تپه توپره‌ریز نشان می‌دهد که احتمالاً کارکرد اصلی آن کنترل این مسیر حیاتی بوده و به‌طور بالقوه به ساکنان دژ این امکان را می‌داد تا بر کوچروان و یا مسافرانی که از منطقه عبور می‌کردند اعمال قدرت کنند. وجود بقایای انسانی در پای دیوار دژ پرسش‌هایی را در مورد ماهیت این پویایی قدرت مطرح می‌کند، زیرا می‌تواند متعلق به کوچروان یا مسافرانی باشد که در برابر اعمال کنترل و زور ساکنان دژ مقاومت می‌کردند.

### سنگ‌نوشته خرم‌آباد

یکی از مهم‌ترین اسناد تاریخی که نوع تعاملات بین جوامع کوچ‌رو و یکجانشین در منطقه زاگرس را روشن می‌کند، سنگ‌نوشته

می‌دهد که سازه‌های تپه توبره ریز شاید در اشکال مشابهی از راهزنی یا کنترل بر مسیرهای کوچروان کاربرد داشته است. شواهد به دست آمده از این تپه نشان می‌دهند که احتمالاً نهادهای غیرحکومتی از گذرگاه‌های راهبردی برای اعمال قدرت بر کوچروان و مسافران، از طریق اعمال زور و مالیات‌گیری، استفاده می‌کرده‌اند. بر اساس روایت‌های شفاهی موجود از ساکنان قدیم روستای پاپل، زورگیری از رهگذران و کوچروان تا اوایل قرن گذشته ادامه داشته است.

گسترده‌تر تعاملات کوچروان و یکجانشینان اشاره می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه حکومت و فشارهای بیرونی می‌توانند بر ماهیت این روابط تأثیر بگذارند.

جالب است که الگوهای مشابهی از زورگیری در لرستان تا دوران قاجار ادامه داشته است. به عنوان مثال، در سال ۱۲۴۰ هجری قمری محمود میرزا قاجار، والی لرستان، اخذ مالیات‌های ظالمانه بر کوچروانی که از پل گاومیشان عبور می‌کردند را ممنوع کرد (قاجار، ۱۳۹۶: ۵۸۴). این شباهت‌ها این احتمال را افزایش



شکل ۴. ریزش خاک در جبهه شمال شرقی.

اجتماعی منطقه داشته است. سران قشقایی علیرغم مهاجر بودن و قرارگیری در خارج از ساختار رسمی حکومتی، فعالانه به دنبال اخذ نقش‌های سیاسی و نظامی در تاریخ ایران بودند. از قرن شانزدهم میلادی، نام آن‌ها در سوابق تاریخی حاکمان ایران پدیدار می‌شود و سپس نقش مهمی در فتح هند توسط نادرشاه افشار بازی می‌کنند. طی قرون بعد نفوذ آن‌ها گسترش بیشتری یافت و با کسب مناصب عالی در دربار کریم‌خان زند تسلط خود را بر جوامع محلی تثبیت کردند. قدرت سیاسی و نظامی قشقایی‌ها به آن‌ها اجازه داد تا مراتع و زمین‌های وسیعی را در استان فارس و پیرامون آن اشغال کرده و بر جوامع ساکن تسلط یابند. تا جایی که سران قشقایی تا اوایل قرن گذشته کدخدایان روستاها را منصوب می‌کردند (Garthwaite, 1983: 42). این تسلط در دوران رضاشاه پهلوی که اصلاحاتش

### قشقایی‌ها: یک اتحادیه پیچیده ایلی

اتحادیه ایلی قشقایی با حدود یک و نیم میلیون نفر جمعیت یکی از سازمان‌یافته‌ترین گروه‌های کوچرو در ایران است. قشقایی‌ها متشکل از شش طایفه متمایز و گروه‌های زبانی مختلف — از جمله ترک، لر و عرب — می‌شوند که بر مناطق وسیعی از جنوب غربی ایران و به ویژه استان فارس تسلط داشته‌اند. در میان این گروه‌ها، ترک‌ها اکثریت داشته و هسته اصلی فرهنگ قشقایی را تشکیل می‌دهند. ریشه آن‌ها به جنوب قفقاز و ماوراءالنهر بازمی‌گردد و احتمالاً در جریان کوچ قبایل ترک طی قرون نهم و دهم هجری به ایران وارد شده‌اند (Beck, 1980: 328).

سبک زندگی کوچروان قشقایی که در طبیعت غنی و متنوع استان فارس مستقر شدند، تأثیر به‌سزایی در تاریخ سیاسی -

اصلاحات ارضی در دهه ۱۳۴۰ و پس از آن باقی ماند و سرانجام پس از انقلاب به کلی منکوب شدند.

معطوف به متمرکز کردن قدرت و کاهش نفوذ اتحادیه‌های قبیله‌ای بود، مهار شد. با این وجود، بقایایی از قدرت قشقایی‌ها تا عصر جنبش



شکل ۵. بقایای دیوار دفاعی در جبهه غربی.

می‌پرداختند و امنیت گله‌ها را تضمین می‌کردند. این تشکیلات مشابه الگوی جنگ‌های نظامی گذشته بود که در آن واحدهای طایفه راه را برای بدنه اصلی سپاه ایمن می‌ساختند (ساکت و یاحقی، ۱۳۸۹: ۱۵).

ساختار سازمانی قوی و انسجام قبیله‌ای قشقایی‌ها به آن‌ها این امکان را می‌داد که تسلط خود را بر جوامع یکجانشین حفظ کنند. توانایی آن‌ها در بسیج سریع، کنترل مسیرهای کلیدی کوچ و دفاع در برابر راهزنان، امنیت و رفاه قبیله را تأمین می‌کرد. موفقیت‌های سیاسی و نظامی، جایگاه آن‌ها را در ساختار قدرت در جنوب غربی ایران تثبیت کرد، شرایطی که به شدت با وضعیت سایر گروه‌های کوچرو، مانند کوچروان لرستان، متفاوت بود. در زمینه انسجام درونی طوایف، مطالعه‌ای بر روی طایفه پای در لرستان نشان داد که فقط در این طایفه کوچک چندین خان خرد وجود داشتند که به صورت گروهی در مورد تقسیم منابع و کوچ تصمیم می‌گرفتند. تعدد در تصمیم‌گیرندگان موجب ایجاد اختلافات مستمر در تقسیم

ساختار سازمانی قشقایی‌ها ساده و درعین حال مؤثر بود؛ در رأس آن خان برتر (ایلخانی) و پس از آن معاون او (ایل‌بیگی)، رؤسای طوایف یا کلانترها و کدخدایان قرار داشتند. خان‌های هر طایفه از طریق کلانترها و کدخداها هماهنگی برای اجرای زمان-بندی شده کوچ را تضمین می‌کردند. آن‌ها همچنین اختلافات درونی طوایف را حل کرده و نظم را در داخل طایفه برقرار می‌کردند. خان هر طایفه مسئول نظارت بر امور داخلی طایفه خود و تضمین انسجام و امنیت طایفه در هنگام کوچ بود (امان‌اللهی، ۱۳۸۸: ۱۸۳-۱۸۹).

یک بررسی قوم‌باستان‌شناسی بر سازمان کوچ قشقایی‌ها هماهنگی استثنایی درون ایلی آن‌ها را برجسته می‌سازد. کوچ به‌دقت برنامه‌ریزی می‌شد و زمان عزیمت هر قبیله بر اساس عواملی مانند بزرگی گله، فاصله تا مقصد و در دسترس بودن مراتع تعیین می‌شد. یک گروه از سواران برتر، معروف به یوردچی، در قالب طایفه پیشاپیش گروه‌ها به جستجوی مراتع و چراگاه‌های مناسب

برای حل و فصل اختلافات وجود نداشت، این مشکلات در تمامی طوایف لرستان رایج بود (امان‌اللهی، ۱۳۸۸: ۱۸۹-۱۸۶). پیامد جانبی این ناهماهنگی، تمرکززدایی قدرت از اعضای قبایل بود که راه را برای استفاده گروه‌های فرصت طلب از موقعیت ایجاد می‌کرد.

مراتع و منابع آب میان شاخه‌های مختلف طایفه می‌شد. علیرغم توافقات رسمی به دست آمده در جلسات، خوانین خرد دائماً در رقابتی پنهانی با سایر طوایف بودند که معمولاً به درگیری‌های شدید منجر می‌شد. از آنجا که هیچ خان پذیرفته شده‌ای در رأس نظام قبیله‌ای



شکل ۶. ترانسه پلکانی ۱ (ST. 1).

مانند دیوارهای دفاعی و موقعیت استراتژیک، نشان می‌دهد که جوامع یکجانشین توانسته‌اند بر گروه‌های کوچرو در مکان‌های کلیدی تسلط پیدا کنند. این تسلط ممکن است مستقیم یا مستمر نبوده باشد، اما احتمالاً منعکس‌کننده تلاش جمعیت‌های یکجانشین برای اعمال کنترل بر مسیرهای ارزشمند در دوره‌های ضعف اقتدار مرکزی است.

پل‌ها، به‌ویژه، به‌عنوان گلوگاه‌های استراتژیک نقش مهمی در این سیستم کنترل داشتند که در آن عبور و مرور محدود شده و تحت نظر قرار می‌گرفت. روشی که راهزنان از عابران اخاذی می‌کردند توسط نویسندگان جغرافیای لرستان به‌وضوح توضیح داده شده است.

### بحث: پویایی تعاملات کوچروان و یکجانشینان

تعاملات میان گروه‌های کوچرو و یکجانشین در جنوب غربی ایران نشان‌دهنده طیفی از روابط پیچیده و گاه متضاد است. از شواهد گردآوری شده در تپه توبره‌ریز و مدارک تاریخی مانند سنگ‌نوشته خرم‌آباد، مشخص می‌شود که این روابط، هم تحت تأثیر محدودیت‌های محیطی و هم فشارهای سیاسی بوده است.

به نظر می‌رسد، در تپه توبره‌ریز، این استقرار بارودار برای نظارت بر جریان عبور دشوار در این نقطه ساخته شده است. این کنترل احتمالاً شامل وضع مالیات یا محدود کردن گروه‌های کوچرو هنگام سفر بین مراتع و چراگاه‌های فصلی بوده است. شواهد فیزیکی،

جایگزین می‌کردند و سپس عوارض گزافی تا ۱۵ هزار برای هر قاطر از رهگذران طلب می‌کردند. به محض عبور یک کاروان، راهزنان الوارها را برداشته و گروه بعدی را مجبور می‌کردند تا مقدار باج مورد نظر آن‌ها را پرداخت کنند. به گفته نویسنده، به دلیل خشونت بیش‌ازحد این راهزنان تا زمان سلطنت مسعود میرزا ظل‌السلطان حاکم جبار منطقه، تمامی تلاش‌ها برای تعمیر پل ناکام مانده بود (بی‌نا، ۱۳۷۰: ۹۲). در سوی دیگر، اتحادیه ایلی قشقایی نشان داد

او داستان پل ساخته‌شده بر روی رودخانه زال در ۸۰ کیلومتری جنوب‌شرقی توبره‌ریز را بازگو می‌کند. این سازه‌ها که چندین بار ساخته و تخریب شده، شامل پل ساخته‌شده توسط احتشام‌الدوله در اوایل دوره قاجار نیز می‌شد که فقط در عرض دو سال توسط راهزنانی از طوایف درکوند و جودکی تخریب شد. راهزنان روشی حيله‌گرانه برای اخذ مالیات به کار می‌گرفتند: آن‌ها بخشی از تاج پل که محل عبور بود را از بین برده و آن را با یک سازه چوبی موقت



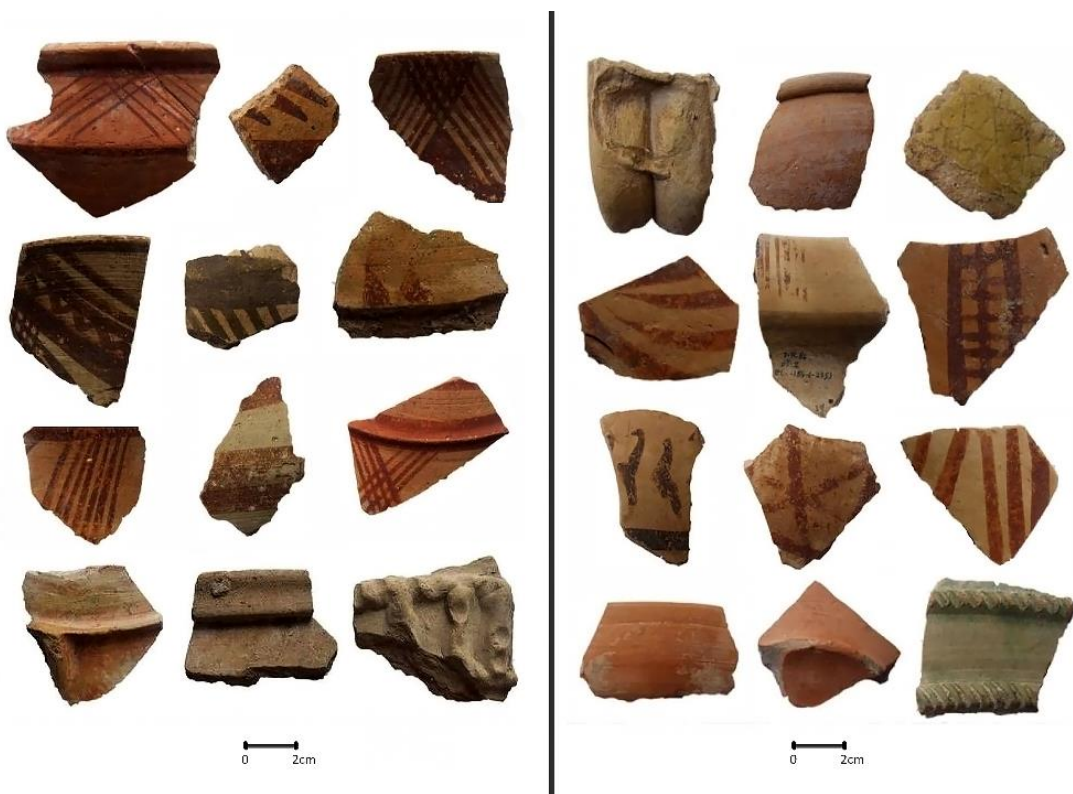
شکل ۷. ترانشه پلکانی ۲ (ST. 2).

به‌عنوان مثال، بارث طی تحقیقات خود در فارس مشاهده کرد که کشاورزان به‌ندرت موفق می‌شدند در دادگاه خسارات ناشی از تخریب مزارع خود توسط گله‌های عشایر باصری را دریافت کنند (Barth, 1961: 78-79). در نتیجه، آن‌ها مجبور بودند به پشتیبانی جوامع خود تکیه کنند که اغلب به خشونت میان آن‌ها و کوچ‌پروان منجر می‌شد. به عقیده او شمار بالای روستاهای حصاردار در جنوب فارس نشان‌دهنده فراوانی این تنش‌ها در گذشته است.

که گروه‌های کوچ‌پرو چگونه توانسته‌اند از طریق سازمان‌دهی و رهبری مؤثر، قدرت و کنترل بر سرزمین‌های خود را حفظ کنند. ساختار رهبری متمرکز قشقایی که در رأس آن ایلخان قرار داشت، سیستم هماهنگ مدیریت منابع و دفاع در برابر تهدیدها را شکل داد. توانایی برای سازمان‌دهی کوچ‌های بزرگ، محافظت از گله‌ها و مشارکت در اتحادهای راهبردی، آن‌ها را قادر ساخت تا نفوذ قابل‌توجهی بر جوامع ساکن استان فارس داشته باشند.



شکل ۸. بقایای دیوار دفاعی در ترانسه پلکانی ۱.



شکل ۹. منتخبی از سفال‌های اواخر هزاره اول پ.م (راست) و عصر مفرغ قدیم (چپ).

کنترلی خود را حفظ کرده و قدرت خود را بر جمعیت‌های یکجانشین اعمال کنند. در هر دو مورد، ساختار گسترده‌تر حکومتی نقش مهمی ایفا می‌کرد.

کتیبه خرم‌آباد (شکل ۱۰) و سایر اسناد تاریخی نشان می‌دهد که حاکمان محلی مجبور بودند برای میانجی‌گری یا فرونشاندن منازعه میان کوچروان و یکجانشینان مداخله کنند. موازنه قدرت میان این گروه‌ها ثابت نبود، بلکه بسته به تحولات سیاسی گسترده‌تر و اثربخشی حکومت محلی تغییر می‌کرد.

تفاوت میان این دو مطالعه موردی، یعنی زورگیری از کوچروان در تپه توبره‌ریز و سلطه قشقایی‌ها در استان فارس، اهمیت انسجام قبیله‌ای، رهبری و اتحادهای سیاسی ایلی در شکل دادن به پویایی قدرت بین کوچروان و جوامع یکجانشین را نشان می‌دهد. همان‌طور که در لرستان دیده شد، در جایی که گروه‌های کوچرو فاقد انسجام و اتحاد بودند، در برابر اعمال زور آسیب‌پذیر شده و جوامع یکجانشین توانستند بر آن‌ها مسلط شوند. برعکس، در مناطقی که گروه‌های کوچرو رهبری و ظرفیت سازمانی قوی داشتند، توانستند توان



شکل ۱۰. سنگ‌نوشته خرم‌آباد.

## نتیجه گیری

کاوش تپه توبره ریز دانسته‌های ارزشمندی در مورد پویایی قدرت بین جوامع یکجانشین و کوچرو در جنوب غربی ایران ارائه کرد. این استقرار بارودار که از نظر راهبردی برای کنترل بر یک مسیر عبور مهم ساخته شده است، نشان می‌دهد که چگونه گروه‌های یکجانشین تلاش می‌کردند تا بر جمعیت‌های کوچرو به ویژه در دوره‌های بی‌ثباتی سیاسی تسلط یابند. ماهیت مصنوعی تپه، همراه با عناصر دفاعی آن، نشان‌دهنده تلاشی برای نظارت و کنترل عبور و مرور در منطقه و امکان کسب منابع از طریق اعمال زور و باج‌خواهی است. بقایای انسانی یافت‌شده در این محوطه احتمال بروز درگیری‌های خشونت‌بار را افزایش می‌دهد. پرسش در این مورد که این بقایا متعلق به مدافعان قلعه، نیروهای حکومتی یا مسافرانی بوده که در مبارزه برای کنترل گذرگاه گرفتار شده‌اند، موضوع جذابی برای مطالعات آتی است. محتوای تاریخی مستتر در سنگ‌نوشته خرم‌آباد اطلاعاتی ارزشمند و نادر از تلاش برای حل و فصل این منازعات را ارائه داده و نشان می‌دهد که چگونه حکومت محلی برای محافظت از گروه‌های کوچرو در برابر زورگیری یکجانشینان مداخله کرده‌اند. در مقابل، اتحادیه ایلی قشقایی الگویی از حکمرانی موفق توسط کوچروان را ارائه می‌دهد. قشقایی‌ها از طریق رهبری متمرکز، سازمان‌دهی مؤثر و اتحادهای راهبردی توانستند در چشم‌انداز پیچیده سیاسی - اجتماعی ایران بالیده و قدرت و نفوذ قابل توجهی را به دست آورند. توان آن‌ها برای کنترل بر مسیرهای کوچ و حفاظت از گله‌های خود و توانایی دفاع در برابر تهدیدات این امکان را فراهم نمود تا تسلط خود در منطقه را حفظ کرده و به آن تداوم بخشند. در مجموع، این مطالعات موردی، پویایی قدرت میان جوامع کوچرو و یکجانشین در جنوب غرب ایران را نشان می‌دهد. توانایی هر یک از گروه‌ها برای اعمال کنترل نه تنها به شرایط جغرافیایی بلکه به قدرت سازمان داخلی و ساختار گسترده‌تر سیاسی نیز بستگی داشت. در حالی که جوامع یکجانشین می‌توانستند استحکاماتی را برای کنترل بر مسیرهای کوچ برپا سازند، گروه‌های کوچروی مانند قشقایی‌ها ثابت کردند که رهبری قوی و ساختارهای منسجم قبیله‌ای آن‌ها را قادر می‌سازد تا در محیطی بسیار رقابتی تسلط خود را حفظ کرده و رشد کنند. تحقیقات آتی باید برای کشف استقرارگاه‌های بارودار مشابه در امتداد مسیرهای کوچ در ایران و خاور نزدیک ادامه یابد. چنین مطالعاتی دانش بیشتری را در مورد تغییرات منطقه‌ای در تعاملات میان کوچروان و یکجانشینان ارائه

خواهد کرد و درک عمیق‌تری از نقش این گروه‌ها در شکل‌دهی به سپهر سیاسی - اجتماعی منطقه فراهم خواهد آورد.

## کتاب‌نامه

- امان‌اللهی بهاروند، سکندر، ۱۳۸۸. کوچ‌نشینی در ایران، پژوهشی درباره‌ی عشایر و ایلات، تهران: انتشارات آگاه.
- خدیش، پوریا، ۱۳۸۷. گزارش فصل اول کاوش باستان‌شناسی در محوطه توبره ریز لرستان، مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی و گردشگری استان لرستان (منتشرنشده).
- ساکت، سلمان و محمد جعفر یاحقی، ۱۳۸۹. «آرایش سپاه و فنون رزمی در دوره ساسانی و بازتاب آن در شاهنامه فردوسی»، فصلنامه علمی پژوهشی کارنامه، سال ۱۱، شماره ۲۰: ۳۲-۹.
- قاجار، محمود میرزا، ۱۳۹۶. مقصود جهان، تصحیح ناصر افشارفر، تهران: انتشارات آژنگ.
- بی‌نا، ۱۳۷۰. جغرافیای لرستان، پشتکوه و پیشکوه، به کوشش سکندر امان‌اللهی بهاروند، خرم‌آباد: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی لرستان.
- Arbuckle, B. and E. Hammer, 2019. "The Rise of Pastoralism in the Ancient Near East", *Journal of Archaeological Research*, 27: 391-449.
- Barth, F., 1961. *Nomads of South Persia: The Basseri Tribe of the Khamseh Confederacy*, London: Allen and Unwin.
- Beck, L., 1980. "Herd Owners and Hired Shepherds: The Qashqai of Iran", *Ethnology*, 19 (3): 327-351.
- Edmonds, C. J., 1922. "Luristan: Pish-i-Kuh and Bala Garivch", *The Geographical Journal*, 59 (5): 335-356.
- Garthwaite, G. R., 1983. *Khans and Shahs: A Documented Analysis of the Bakhtyari in Iran*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Herzfeld, E. 1929. "Bericht über archäologische Beobachtungen im südlichen Kurdistan und in Luristan", *Archäologische Mitteilungen aus Iran*, 1: 65-75.
- Hole, F., 2023. "Tepe Tula'i, and the Question of Nomadic Pastoralism", *Iranian Journal of Archaeological Studies*, 13 (2): 3-34.
- Hole, F. and S. Amanolahi, 2021. *Tribal Pastoralists in Transition. The Baharvand of Luristan, Iran*, Ann Arbor: University of Michigan.
- Stein, O., 1969. *Old Routes of Western Iran*, New York: Greenwood Press.
- Zeder, M. and B. Hesse, 2000. "The Initial Domestication of Goats (*Capra hircus*) in the Zagros Mountains 10,000 Years Ago", *Science*, 287 (5461): 2254-2257.